



Effective aspects of achieving the position of wisdom in society and its effect on lifestyle

Mohammad Mahdavi ^{1*} - Safiye jafarpour ²

1. Associate Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology, University of Tabriz
2. A graduate of the 3rd level of Fatima Al-Zahra Seminary, Tabriz

DOI: 10.22034/nrr.2024.58192.1296
URI: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_18356.html

Corresponding Author:
 Mohammad Mahdavi

Email:
 mo.mahdavi@tabrizu.ac.ir

Received: 2024/04/09
Detected: 2024/04/20
Accepted: 2024/05/03
Available: 2024/06/13

Open Access



Keywords:
 Faith, wisdom, efficiency, lifestyle, society

ABSTRACT

The system of existence and the system of this material world are designed and governed based on Divine Wisdom, and on the other hand, Divine Wisdom is the origin of actual wisdom in human life. Therefore, as the caliph of God, by being created with the Attribute of Divine Wisdom, man can realize a wise life for himself and others in the society. Therefore, this research, by using the descriptive-explanatory method, wants to answer the basic question that what are the effective aspects of achieving the position of wisdom in society and what effect can it have on human life style? In this research, it has been tried for applying the belief in the Attribute of Divine Wisdom, first the Wisdom of God from different aspects and then the effects of faith in His Wisdom in human life. The findings of the research show that belief in Divine Wisdom in society and the creation of human beings as wisdom in giving meaning to life, strengthening the family, protecting the privacy of the family, responsibility and prosperity, making firm of work, production of knowledge, wisely using and etc., have a v very important role. The results of the this research show that man finds real life based on the belief in God, the Wise, and in this style of life, man naturally considers the model that has the most harmony to achieve closeness to God as desirable in his personal and social life. Therefore, with his own will and authority, he puts all his life's affairs in the path of this goal and all the actions and attributes of man have the Divine color and smell, and in this way, the functions and different aspects of man can be transformed into the manifestation of God.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



فصلنامه دین پژوهی و کارآمدی



وجوه کارآمدی دستیابی به مقام حکمت، در جامعه و تأثیر آن بر سبک زندگی

محمد مهدوی^{۱*} - صفیه جعفرپور^۲

۱- دانشیار گروه معارف اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه تبریز.

۲- دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه خواهران فاطمه الزهرا تبریز.

DOI: 10.22034/nrr.2024.58192.1296

URI: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_18356.html

چکیده

نویسنده مسئول:

محمد مهدوی

ایمیل:

mo.mahdavi@tabrizu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۲۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۳/۲۴



دسترسی آزاد

کلیدواژه‌ها:

ایمان، حکمت، کارآمدی، سبک زندگی، جامعه

نظام هستی و نظام دنیوی بر اساس حکمت الهی طراحی شده و مدیریت می‌شود، و از طرفی حکمت الهی منشأ حکمت جاری در حیات انسانی است. بنابراین انسان به عنوان خلیفه الهی با متخلق شدن به صفت حکمت الهی، می‌تواند زندگی حکیمانه‌ای را برای خود و دیگران در جامعه محقق کند. از این رو این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی- تبیینی خواهان پاسخ به این سوال اساسی است که وجوه کارآمدی دستیابی به مقام حکمت، در جامعه چیست و چه تأثیری بر سبک زندگی انسان می‌تواند داشته باشد؟ در این تحقیق سعی شده است در جهت کاربردی کردن اعتقاد به صفت حکمت الهی، ابتدا حکمت خداوند از جوانب مختلف و سپس آثار ایمان به حکمت او در زندگی انسان بررسی شود. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که اعتقاد به حکمت الهی در جامعه و متخلق شدن انسان به صفت حکمت در معنابخشی به زندگی، استحکام خانواده، دفاع احسن از حریم خانواده، مسئولیت‌پذیری و شکوفایی، اتقان‌کاری، تولید دانش‌بنیان، مصرف حکیمانه و... نقش خیلی مهمی دارد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که زندگی انسان براساس باور به خداوند حکیم حیات حقیقی می‌یابد و در این سبک از زندگی، انسان بطور طبیعی مدلی را که بیشترین هماهنگی برای دستیابی به قرب الهی را داراست، در زندگی فردی و اجتماعی خود مطلوب می‌داند. از این رو، با اراده و اختیار خود، همه شؤون زندگی‌اش را در مسیر این هدف قرار می‌دهد. و تمامی افعال و صفات انسانی به صبغه و رنگ الهی مصبوغ شده و به این ترتیب کارکردها و جنبه‌های مختلف انسان به تجلی گاه خداوند مبدل شود.

نگاه بشر امروز به مسائل مختلف، حتی مباحث دینی، نگاه کارکردگرایانه است و تا به کارکردهای یک باور یا یک کردار اطمینان نداشته باشد، در آن جهت گام بر نمی دارد و سبک زندگی خویش را بر آن بنا نخواهد کرد. به عبارت دیگر نمای بیرونی زندگی انسان، بازتابی از عقائد درونی اوست. بنابراین حکمت به عنوان یکی از صفات الهی رابطه تنگاتنگی با زندگی انسان دارد و حکمت در خدای متعال به دو معنای ایجابی، یعنی اتقان و استحکام در علم و فعل، (حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۰۷ ق: ۴۱۵) و سلبی، یعنی عدم صدور فعل قبیح و ناروا از سوی باری تعالی است. (همان، ص ۴۲۰) پس حکمت خدا همان شناخت اشیا و ایجاد آنها در نهایت اتقان و استحکام از سوی اوست؛ که به ذات و افعال الهی برمی گردد.

و از طرف دیگر حکمت الهی منشأ حکمت جاری در حیات انسانی است از این رو حکمت در انسان، چیزی جز خدایی شدن نیست و حکیم، انسان متاله است. بنابراین، شناخت خداوند به عنوان کمال مطلق و تنها حق موجود در هستی، به انسان کمک می کند تا خود را متخلق به اخلاق الهی یعنی اسماء و صفات خداوندی کند. بنابراین باور به صفت حکمت الهی باعث دستیابی انسان به مقام حکمت خواهد شد و انسانی که به مقام حکمت رسید سعی خواهد کرد به عنوان خلیفه الهی با متخلق شدن به صفت حکمت الهی، زندگی حکیمانه ای را برای خود و دیگران در جامعه محقق کند. این همان کارکرد اصلی حکمت است که در آیاتی از قرآن از جمله ۸۳ سوره شعراء «رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ» به عنوان رسیدن به مقام صالحین از آن یاد شده است. خداوند در این آیه برخوردار از حکمت و معرفت را زمینه قرار گرفتن انسان در زمره صالحان دانسته است که تعبیری دیگر از خدایی شدن است.

همچنین از آیه شریفه «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ بَشَرًا سَمْعًا وَبَصَرًا» (بقره: ۳۰) نیز استفاده می شود که خداوند انسان را به دلیل داشتن استعداد ذاتی و فطری، برای درک حقایق و اسرار هستی، خلیفه خود قرار داده است. از این رو به هر میزان که آدمی به صراط مستقیم الهی معتقد بوده، و متخلق به اخلاق الهی و مهتدی به هدایت او باشد، اسمای الهی در هستی او از قوه به فعلیت رسیده و به تبع آن، خلافت الهی نیز ظهور می کند. (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۴۱/۳، ۵۵ و ۵۶) کارآمدی این صفت الهی را در زندگی انسان حکیم می توان در بحث معنابخشی به زندگی، اتقان و استواری اموری مانند خانواده، اتقان کاری، تولید دانش بنیان و مصرف حکیمانه در جامعه انسانی مشاهده کرد.

محققان در حوزه مباحث صفات الهی به نگارش‌های متعددی درباره‌ی حکمت الهی دست زده‌اند. کتاب «علم و حکمت در قرآن و حدیث» نوشته‌ی محمد محمدی ری شهری (۱۳۷۹) با بهره‌گیری از متن قرآن و احادیث اسلامی از طریق فریقین، به دیدگاه اسلام درباره‌ی جایگاه علم و معرفت، حقیقت علم، آثار علم، مبادی و موانع معرفت، تعلیم، تعلّم ... پرداخته است.

برنجکار (۱۳۷۹) در مقاله «مفهوم حکمت در قرآن و حدیث» حکمت را از نظر قرآن به عقل، فهم، قضا، شناخت دین، اطاعت از خدا و اصول اخلاقی تفسیر کرده است.

محمد کاظم شاکر (۱۳۸۰) در مقاله «نگاهی دیگر به معناشناسی کتاب و حکمت»؛ به بررسی واژه کتاب و حکمت در قرآن کریم پرداخته است. و کتاب را به عنوان قوانین الزام آور ادیان آسمانی و حکمت را به عنوان عنصر فراتر از شرایع و در تعامل با آن مطرح کرده است.

پایان نامه «حکمت در قرآن و آموزه‌های دین» نوشته‌ی اکرم السادات موسوی مطلق، به راهنمای عبدالرضا زاهدی (۱۳۸۷) ضمن آشنایی با کاربردهای متعدد ماده «حکم» در معانی مختلف، این معانی را قابل ارجاع به معنای اتقان و استحکام دانسته و حکمت را مقوله‌ای قابل آموزش، معرفتی ویژه و تأثیر گذار در هویت بخشی به انسان؛ و روشنگر راه زندگی وی برشمرده است.

مقاله «چیستی حکمت در قرآن، روایات و فلسفه» عبدالحسین خسروپناه (۱۳۸۸) با بررسی حکمت در مکاتب مشاء، اشراق و متعالیه و ماهیت حکمت در متون اسلامی به این نتیجه رسیده است که حکمت به نظری (حوزه عقاید) و عملی (اعمال فردی و اجتماعی) تقسیم می‌شود.

پایان نامه «معناشناسی کتاب و حکمت در قرآن و حدیث» نوشته‌ی الهام صادقیان، به راهنمای مهدی احمدی (۱۳۹۲) معنای حکمت در لغت، قرآن و تفاسیر، حدیث و اصطلاح حکماء و عرفاء بررسی شده است. و به این نتیجه رسیده است، که اهل لغت «حکمت» را چیزی می‌دانند که از جهل جلوگیری می‌کند و مفسران نیز معانی هم چون قرآن، نبوت، سنت، رسیدن به واقع، معرفت خدا و ترس از خداوند را ذکر کرده‌اند.

با وجود اینکه کتاب، پایان نامه‌ها و مقالات ذکر شده سبب به وجود آمدن دامنه‌ی معنایی حکمت در قرآن، اخلاق شده است. اما با بررسی‌های انجام شده پایان نامه یا مقاله‌ای که جامع «حکمت الهی و کارآمدی آن در جامعه» باشد؛ تألیف نشده است. در این نوشته به وجوه کارآمدی حکمت الهی در زندگی فردی و اجتماعی افراد اشاره شده است.

۱. تحلیل اصل حکمت الهی

۱-۱. معنای حکمت

حکمت از ریشه «حکم»، در عربی از واژگان پرکاربرد و دارای مشتقات فراوان است؛ لغت‌شناسان برای این ماده معنای متعددی ذکر کرده‌اند که می‌توان آنها را در سه دسته کلی جای داد:

الف) معنای محور دانایی، شامل: «حِکْمَةٌ» و «حُکْم» به معنای دانایی و «حکیم» به معنای دانا و عالم.
ب) معنای محور داوری کردن، شامل: «حُکْم» به معنای قضاوت و داوری، «حاکم» و «حُکْم» به معنای داور، «حاکمه الی الحکم» به معنای فراخواندن طرف دعوا نزد داور.

ج) معنای محور منع کردن، شامل: «حُکْمْتُ»، «أَحْکَمْتُ» و «حُکِّمْتُ» به معنای منع کردن و بازگرداندن؛ «أَحْکَمَ الْمَرْءُ» به معنای اینکه کار را با اتقان و محکم کاری انجام داد؛ «حُکِمَ الشَّيْءُ» و «أَحْکَمَهُ» به معنای اینکه چیزی را از فساد و تباهی بازداشتن (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲، ۶۷-۶۶). و این معنا در تمام موارد صادق است. مثلاً قضاوت و داوری که یکی از معانی آن است در حقیقت منع از فساد و برای اصلاح است (قرشی بنابی، ۱۳۷۱: ۱۶۱/۲). و حُکْم قاضی، رأی قطعی اوست که مانع از نزاع و ظلم می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۹۱/۲). با توجه به توضیحات فوق در رابطه با معنای واژه «حِکْمَةٌ» می‌توان به دست آورد که حکمت، رسیدن به حق به واسطه علم و عقل است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۴۹). و به عبارتی حکمت، یک حالت و خصیصه درک و تشخیص است که شخص به وسیله آن می‌تواند حق و واقعیت را درک کند و مانع از فساد شود و کار را متقن و محکم انجام دهد؛ بنابراین حکمت حالت نفسانی و صفت روحی است نه شیء خارجی، بلکه شیء محکم خارجی از نتایج حکمت است. حکیم نیز به معنای محکم کار است، یعنی کسی است که کار را از روی تشخیص و مصلحت انجام دهد (قرشی بنابی، ۱۳۷۱: ۱۶۳/۲-۱۶۴).

در اصطلاح حکمت عبارت است از: «علم به نظام احسن و علیت برای این نظام احسن و اراده و رضایت به این نظام» (مطهری، ۱۳۸۳: ۴۰۸/۸). از نظر علامه طباطبایی، حکمت عبارت است از: باور و اعتقاد صادق و محکمی که هیچ گونه کذبی در آن راه ندارد و برخوردار از چنان نفعی محکمی است که هیچ گونه ضرری را بر نمی‌تابد (طباطبایی بی تا: ۲۷۱/۱۹). حکیم به کسی می‌گویند که هیچ عملی از وی از روی جهل و گزاف روی نمی‌دهد، هر کاری انجام می‌دهد با علم انجام می‌دهد، و مصالحی را در نظر می‌گیرد (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۵۳۱/۱۹). می‌توان گفت حکمت رسیدن به حق است از طریق علم و عقل. بنابراین حکمت خدا همان شناخت اشیاء و ایجاد آنها در نهایت اتقان و استحکام از سوی اوست؛ اما حکمت انسان، شناخت موجودات و انجام کارهای خیر است و این همان است که قرآن به وسیله آن لقمان را توصیف می‌کند «و لقد آتینا لقمان الحکمة» (ر.ک: راغب اصفهان، بیتا: ماده حکم).

۱-۱- اقسام حکمت

حکمت از نگاه قرآن و حدیث، به سه نوع قابل تقسیم است:

الف) حکمت علمی

ب) حکمت عملی

ج) حکمت حقیقی.

حکمت علمی

حکمت علمی به معنای بهترین علم به بهترین معلوم می باشد که مصداق آن، علم خداوند به ذات و افعال خویش است (ربانی گلیپایگانی، ۱۳۸۳ش: ۱۲۹). حکمت گاهی به معنای معرفت اشیا است. و معرفتی کامل تر از معرفت خداوند تعالی نیست. پس خداوند بدین معنا حکیم است (حلی، ۱۴۰۷ ق: ۳۰۱).

بعبارتی مقصود از حکمت علمی، هرگونه دانستنی یا معرفتی است که برای صعود به مقام انسان کامل، ضروری است. به سخن دیگر، هم دانش مربوط به عقاید، «حکمت» است، هم دانش مربوط به اخلاق، و هم دانش مربوط به اعمال. از این رو قرآن پس از ارائه رهنمودهای گوناگون در عرصه‌های اعتقادی، اخلاقی و عملی، همه آنها را حکمت می‌نامد: «ذَلِكُمْ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ» (اسراء/۳۹)؛ این [سفارشها] از حکمت‌هایی است که پروردگارت به تو وحی کرده است (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵: ۱۸/۱).

حکمت عملی

حکمت عملی نیز دارای دو معنا است:

الف- منظور از حکمت، صادر شدن شیء در نهایت احکام و اِکمال است. پس با توجه به این که افعال خداوند متعال در نهایت احکام و اتقان و نهایت کمال صورت می‌گیرد. بنابراین خداوند حکیم است (حلی، ۱۴۰۷: ۳۰۱).
ب) دومین معنای حکمت عملی عبارت از آنست که خداوند از انجام آنچه سزاوار نیست منزّه است (فخر رازی، ۱۴۱۰ ق: ۲۸۰-۲۷۹).

بعبارتی حکمت عملی، برنامه عملی رسیدن به مرتبه انسان کامل است. از نگاه قرآن و احادیث اسلامی، دانش و عملی که مقدمه تکامل انسان باشد، «حکمت» نامیده می‌شود، با این تفاوت که دانش، پله نخست تکامل، و عمل، پله دوم آن است. احادیثی که حکمت را به فرمانبری از خداوند متعال، مدارا با مردم، دوری از گناهان و اجتناب از نیرنگ تفسیر کرده‌اند، به حکمت عملی اشاره دارند (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵: ۱۸/۱).

حکمت حقیقی

حکمت حقیقی، نورانیت و بصیرتی است که در نتیجه به کار بستن حکمت عملی در زندگی برای انسان حاصل می‌گردد. در واقع، حکمت علمی، مقدمه حکمت عملی، و حکمت عملی، سرآغاز حکمت حقیقی است و تا انسان،

بدین پایه از حکمت نرسیده، حکیم حقیقی نیست، هر چند بزرگ ترین استاد حکمت باشد (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵: ۱۸/۱).

بعبارتی حکمت حقیقی، جاذبه ای عقلانی و ضد کشش های نفسانی است که هر اندازه در جان قوت یابد، به همان اندازه، تمایلات نفسانی در انسان، ضعیف می شود، تا آنجا که کاملاً از بین می رود. در آن حال، عقل به طور کامل، زنده می گردد و زمام انسان را به دست می گیرد و از آن پس، زمینه ای برای انجام دادن کارهای ناشایست در وجود او باقی نمی ماند. در نتیجه، حکمت، با عصمت، همراه می گردد و در نهایت، همه ویژگی های حکیم و عالم حقیقی برای آدمی حاصل می گردد و در بالاترین مراتب علم و حکمت، به والاترین درجات خودشناسی، خداشناسی، امامت و رهبری دست می یابد (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵: ۳۵۳/۲).

۲- وجوه کارآمدی حکمت در جامعه

گسترده‌گی دامنه مفاهیم مانع از آن است که به تمام ابعاد موضوع پردازیم؛ ما در این فرصت به دو مفهوم می پردازیم.

الف- معنای جامعه

در لغت، جرگه، اجتماع، مجتمع، حوزه، حلقه، هیئت، مردم یک کشور، یک شهر و یا ده یا گروهی از مردم که برای رسیدن به هدف مخصوص تحت قواعد معین گردهم جمع آمده‌اند (دهخدا، ۱۳۳۴: ۸۸/۱۵). به گفته ماکس وبر، جامعه انسانی، شبکه‌ای از برخورد نیروهای متضاد است که در سازمان اجتماعی و روابط میان افراد، متجلی می شود (طیسی، ۱۳۷۰: ۸۰). جامعه عبارت است از مجموعه‌ای از انسانها که در جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها و ایده‌ها و آرمانها، در یکدیگر ادغام شده و در یک زندگی مشترک غوطه‌ورند (مطهری، ۱۳۷۶: ۱۹).

ب- معنای کارآمدی

از نظر کتب لغوی معنای سودمند، شایسته و آنکه کارها را به خوبی انجام می دهد را برای این واژه آورده‌اند (دهخدا، ۱۳۳۹: ۱۱۷). این واژه در علم مدیریت نیز برگرفته از معادل واژه^۱ به زبان انگلیسی است که بیشتر به معنای اثربخشی می باشد. از این منظر، کارآمدی عبارت است از: «قابلیت و توانایی رسیدن به هدف‌های تعیین شده و مشخص. سنجش مقدار کارایی از طریق مقایسه‌ی مقدار استاندارد با هدف یا مقدار کیفیتی که عملاً به دست آمده است، انجام می شود (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۴۴۶).

کارآمدی هر سیستمی را بر اساس سه شاخصه‌ی اهداف، امکانات و موانع آن مشخص می کنند. هر قدر سیستمی با توجه به سه شاخصه‌ی مذکور در تحقق اهدافش موفق باشد، به همان مقدار کارآمد است. در واقع این

مسئله بسیار مهم است که سیستم‌های اجتماعی در راه رسیدن به اولویت‌ها و اهداف‌شان، یک سری موانع و فراز و نشیب‌هایی را سر راه خود ببینند و برای عبور از این موانع و فراز و نشیب‌ها، امکانات و توانایی‌ها و ابزاری را نیز در اختیار داشته باشند. پس با توجه به آن امکانات و ابزار، هر قدر که بتوانند در عبور از موانع موفق‌تر عمل کنند، قطعاً قسمت‌های بسیاری از اهداف آنها نیز محقق می‌شود. این جاست که کارآمدی به معنی واقعی آن شکل گرفته و بدین جهت است که نهایتاً برخی با تمسک به سه عنصر فوق کارآمدی را چنین تعریف کرده‌اند: «کارآمدی عبارت است از موفقیت در تحقق اهداف با توجه به امکانات و موانع (فتحعلی: ۱۳۸۲).

توجه به «حکیم» بودن خداوند آثار مهمی در انسان دارد، متکلمان امامیه بر این باورند که خداوند در افعال خویش هدف و غرض دارد، هر چند این غرض و فایده به خودش نمی‌رسد، بلکه مخلوقات الهی از فیض حق تعالی بهره‌مند می‌شوند و نفی غرض از افعال الهی را مساوی با کار بیهوده دانسته و قبیح به حساب آورده‌اند و ساحت خداوند را منزله از فعل عبث می‌دانند (حلی، ۱۳۸۲: ۹۵/۱؛ لاهیجی، ۱۳۷۲: ۷۳). از نتایج حکمت الهی آن است که نظام هستی را بهترین نظام ممکن (نظام احسن) بدانیم، چرا که جهان با تمام وسعت، فعل خداوند است، و حکمت الهی مقتضی آن است که افعال او به بهترین و کامل‌ترین صورت ممکن انجام پذیرد. با توجه به اینکه حکمت حق تعالی منشأ حکمت جاری در حیات انسانی است. توجه به «حکیم» بودن خداوند و متخلق شدن انسان به صفت حکمت آثار مهمی در جامعه و سبک زندگی انسان دارد، در این جا به برخی از جلوه‌های کارآمدی صفت «حکمت» در جامعه اشاره می‌کنیم.

۱-۲. معنادار بودن زندگی

انسانی که باور به حکیم بودن خدای متعال دارد حتماً سعی خواهد کرد خودش هم مثل خدا حکیمانه رفتار کند و چون یکی از معانی حکمت الهی بیهوده نبودن و بی معنا نبودن افعال الهی می باشد پس انسان هم در زندگی سعی خواهد کرد کارهای بیهوده و بی معنا انجام ندهد. بنابراین می توان گفت یکی از کارآمدی‌های حکمت معناداری زندگی و پیوند آن با هدفمندی جهان می‌باشد. اگرچه بی‌معنایی و بی‌دینی، امتحان خود را به قیمت تباه شدن نسل‌هایی از بشر پس داد، راه رجوع و بازگشت به دین برای یافتن معنا را هموار کرد. این رجوع دوباره، محصول اندیشه‌ورزی چند دهه اخیر است و علت توجه به آن، آسیب شناسی جامعه شناختی در غرب است و براساس آن، سهم عمده مشکلات را بی‌معنایی برعهده می‌گیرد (کوشان، ۱۳۷۸: ۱۲۲). برون رفت از بحران بی-معنایی، خداباوری و اعتقاد به حکمت بیکران است. تنها در سایه باور به خداوند حکیم است که نظام جهان هدفمند و معنادار می‌شود.

انسانی که زندگی را محدود را به این دنیا می‌داند، سعی می‌کند نهایت لذت را در این دنیا ببرد و تنها نیازها و خواسته‌های زندگی دنیوی خود را تأمین کند. اما انسانی که باور دارد زندگی او به این دنیا ختم نمی‌شود و حیات او در عالمی دیگر ادامه می‌یابد و در واقع، زندگی در سرای آخرت است که حیات اصلی و حقیقی او را

شکل می‌دهد، و در آن سرا شاهد تمامی اعمال خویش و اثرات آن است، تلاش می‌کند اعمال فردی و اجتماعی خود را به گونه‌ای سامان دهد که منجر به سعادت دنیا و آخرت او گردد. از اینرو، می‌باید که تنها راه سعادت دنیا و آخرت، پیروی از دستورات الهی و تبعیت از اولیای اوست. این اعتقاد، منجر به پیشرفت و تعالی افراد جامعه در ابعاد فردی و سیاسی خواهد شد؛ چرا که تبعیت از اوامر الهی در همه جنبه‌های زندگی، منجر به حضور فعالانه و مسئولانه افراد در اجتماع خواهد بود (طاهری، ۱۳۹۰: ۱۸). بنابراین با اعتقاد به حکمت الهی، همه چیز ابزار رسیدن به هدف متعالی می‌شود و زندگی در پرتو این هدف، ارزشمند و معنادار می‌شود.

اگر کسی خداوند را حکیم بداند، بر آگاهی و قدرت او بر ایجاد نظام احسن، اذعان و اعتراف کرده است. تفاوت‌ها و ناملایمات روزگار نمی‌تواند زندگی را برای چنین شخصی، بوج و بی‌معنا گرداند. یکی از اسباب معنا بخشی به زندگی می‌تواند باور به علم و حکمت مطلق الهی باشد، زیرا چنین اعتقادی، تلقی انسان درباره جهان آفرینش را شکل خاصی می‌بخشد و موجب خوش بینی انسان به نظام آفرینش و قوانین حاکم بر آن می‌گردد. انسان معتقد به آفرینش هدفمند، جهان هستی را با تمام قوانین و پدیده‌هایش جدی تلقی می‌کند، چون «اگر جهان هستی و قوانین حاکم بر آن را جدی نداند، در نتیجه خود زندگی محکوم به شوخی و بوجی خواهد گشت و فضیلتها، ارزشها و واقعیتها با انواع گوناگون خود، جز یک مشت خیالات چیز دیگری نخواهد بود» (جعفری، ۱۳۸۸: ۱۷۷).

قرآن نیز به حکمت و پیوند آن با هدفمندی جهان، معناداری زندگی و احسن بودن نظام آفرینش اشارت دارد: «وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ» (حجر/۲۵)؛ و مسلماً پروردگار توست که آنان را محشور خواهد کرد، چرا که او حکیم داناست. در این آیه، سیر موجودات به سوی قیامت مقتضای حکمت و هدفمندی آفرینش دانسته شده است.

نیز در آیه ای دیگر می‌خوانیم: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ* مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (دخان/۳۸ و ۳۹)؛ و آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است به بازی نیافریده‌ایم؛ آنها را جز به حق نیافریده‌ایم، لیکن بیشترشان نمی‌دانند. از این آیات چنین برمی‌آید که نه خلقت کل جهان بی هدف و به عبث است و نه حتی آفرینش ذره‌ای در میان آسمان و زمین، و این رازی است پوشیده بر بسیاری از آدمیان.

۲-۲. استحکام خانواده

از دیدگاه دین اسلام بهترین و کامل‌ترین نوع زندگی، که بر مبنای فطرت و غریزه طبیعی انسان نیز می‌باشد، زندگی خانوادگی است (مطهری، ۱۳۸۳: ۶۰/۱۹). پیامبر همگان را همواره به ازدواج آگاهانه و تشکیل خانواده تشویق می‌کرد و مردمان را از بی‌همسری بیم می‌داد و می‌فرمود: بیشتر دوزخیان بی‌همسراند (محدث نوری، ۱۴۰۸:

۵۲۸۱/۸). یکی دیگر از کارآمدی های دستیابی انسان به مقام حکمت، استحکام نهاد خانواده می باشد. در این قسمت به برخی از ابعاد این کارآمدی اشاره می کنیم:

۲-۲-۱. مسئولیت پذیری و شکوفایی

انسان در اثر ایمان به حکمت الهی سعی خواهد کرد خودش را متخلق به صفت حکمت بکند و هر انسانی به مقام حکمت دست یابد در مورد خانواده نیز کوتاهی نخواهد کرد و نسبت به خانواده اش مسئولیت پذیر بود. مسئولیت پذیران را می توان همان «انجام جویان» (مکنزی، ۱۳۷۱: ۲۵۹). دانست؛ کسانی که در انجام وظایفی که بر عهده شان قرار می گیرد، نهایت سعی و تلاش را همراه با دقت و به روش احسن انجام می دهند.

با پیوند زن و شوهر بنای مقدس خانواده نهاده می شود و در نتیجه، اولین مسئولیت نیز از همین پیوند و رابطه شکل می گیرد. در نظام خانوادگی مستحکم، زن و مرد حدود وظایف خود را می شناسند و در نیکو انجام دادن آن تلاش می کنند.

تشخیص به موقع و مصلحت اندیشی نیازمند پشتوانه فکری عمیقی است که به وسیله آن در شرایط مختلف بتواند بهترین عکس العمل را داشته باشد، که با داشتن حکمت ممکن می شود. زیرا حکمت اساساً فقط یک آگاهی نیست، بلکه نوعی «توانایی» در میدان آگاهی است. حکمت به معنی خوش فهمی، قدرت فهمیدن، قدرت حدس و سرعت درک است (پناهیان، ۱۳۸۹: ۲۳۲-۲۳۳). در این صورت زن و مرد اگر به مسئولیت هایشان به درستی عمل کنند، محیط خانواده و در نتیجه اجتماع، یکپارچه لبریز صفا و صمیمیت می شود و رنگ معنویت به خود می گیرد.

اسلام در ضمن پابندی به اصل مساوات انسانها اعم از زن و مرد، با توجه به تفاوت خلقت و طبیعت زنانه و مردانه، برای هر یک حقوق و تکالیفی در خور قائل شده است و در مواردی برای زن و مرد وضع مشابه و در موارد دیگر وضع نامشابهی در نظر گرفته است. به عبارت بهتر، در تقسیم حقوق و تکالیف خانوادگی، برخلاف مکاتب مدعی توسعه که طرفدار تشابه این تکالیف بدون توجه به نیازمندیها و توانمندیهای زوجین هستند و عدالت را تنها تشابه در حقوق می دانند، دین مبین اسلام عدالت و تساوی حقوق زن و مرد را رعایت کرده است؛ در حالی که، با تشابه حقوق و تکالیف آنها مخالف است (مطهری، ۱۳۸۳: ۱۲۷/۱۹ - ۱۳۷).

برای تربیت فرزندان به سبک اسلامی، والدین ابتدا باید به تربیت و اصلاح سبک رفتاری خود بپردازند تا بتوانند در این مسیر موفق باشند. زیرا بهترین شیوه تربیت الگودهی است؛ برای اینکه این الگوپذیری کودک از والدین در خانواده به نحو احسن صورت گیرد؛ مهم ترین عامل یکی بودن کردار و گفتار در خانواده است؛ آنچه پدر و مادر می گویند و به آن عمل می کنند، برای کودک به منزله حجت تلقی شده و از اعتبار خاصی برخوردار است (رهبر، ۱۳۸۹: ۳۷۷/۱۶). امام سجاد علیه السلام در رساله الحقوق فرمودند: «حق فرزندی تو این است که بدانی او از توست و هر گونه که باشد چه نیک و چه بد در دنیای گذرا به تو منسوب است و تو در آن چه به او

سرپرستی داری مسئول هستی در ادب نیکو و راهنمایی به سوی پروردگار و یاری او بر طاعت خداوند درباره تو و خودش. پس بر این کار پاداش می‌گیرید. اگر درست عمل کنی و کیفر می‌بینی اگر نادرست عمل نمایی؛ پس او را چنان تربیت کن که با اثری که بر او می‌گذاری در دنیا زیبایی بیافرینی و با قیام شایسته به وظیفه‌ای که نسبت به او داری در نزد خداوند معذور باشی که هیچ قوتی نیست مگر از خداوند» (ابن شعبه حرّانی، ۱۳۶۳: ۱/۲۶۳).

یک رفتار، زمانی حکیمانه است که هوشمندانه باشد و این یکی از بایسته‌ها و بایدهایی است که در حکیم مشاهده می‌شود. حکمت یعنی هر چیزی را در جای خود قرار دادن (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۲/۴۳۱)؛ به عبارت دیگر حکمت چنان بینشی به انسان می‌دهد که هر چیزی را در جای خودش به کار ببرد و حکیم به دلیل داشتن تیز بینی و تیز فهمی، حتی در مواقع حساس، رفتاری از خود نشان می‌دهد که بیانگر عملکردی هوشمندانه و درست است.

بر این مبنا، مهم‌ترین نقشی که یک زن در هر سطحی از علم و سواد و معلومات و تحقیق و معنویت می‌تواند ایفاء کند، آن نقشی است که به عنوان یک مادر و به عنوان یک همسر می‌تواند ایفاء کند؛ این از همه‌ی کارهای دیگر او مهم‌تر است؛ این، آن کاری است که غیر از زن، کس دیگری نمی‌تواند آن را انجام دهد. اگر زن مسئولیت مهم دیگری هم داشته باشد، اما این مسئولیت را باید مسئولیت اول و مسئولیت اصلی خودش بداند. بقای نوع بشر و رشد و بالندگی استعدادهای درونی انسان به این وابسته است؛ حفظ سلامت روحی جامعه به این وابسته است؛ سکن و آرامش و طمأنینه در مقابل بیقراری‌ها و بی‌تابی‌ها و تلاطم‌ها به این وابسته است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۴/۱۳).

با تأسی به صفت حکمت شناخت حقوق و وظایف در رشد و تعالی همسران و ایفاء مسئولیت شان نسبت به غیر، بسیار مؤثر است. از آنجا که مدیریت خانواده با مرد است. (نساء/۳۴) و او وظیفه دارد با کردار و رفتار خویش، مهرورزی را در خانواده گسترش دهد و با خدمت به زن (شعیری، ۱۳۶۳: ۱۰۳). و مهربانی با اعضای خانواده (ابن بابویه القمی، ۱۳۴۳: ۲/۳۸)، محیط آرامی را برای اعضای خانواده فراهم آورد. البته تنها تأمین هزینه زندگی، تهیه مسکن، تغذیه و... وظیفه پدر و سرپرست نیست، بلکه مهم‌تر از آنها، تغذیه روح و جان اعضای خانواده است. تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر و فراهم نمودن محیطی پاک و خالی از هر گونه آلودگی در فضای خانه و خانواده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۴/۲۸۸).

زندگی مشترک علی(ع) و فاطمه(س) کاملترین اسوه در مسایل خانوادگی است. تقسیم کار در این خانه نورانی از علم و حکمت نبوی سرچشمه می‌گرفت: در روایت آمده است علی علیه السلام و فاطمه سلام الله علیها وقتی که وارد زندگی مشترک شدند، پیامبر صلی الله و علیه و آله بر آنان وارد شد. برای دختر و دامادش تقسیم کار کرد، مدیریت خانه را بر عهده علی علیه السلام گذاشت و فرمود کارهای داخل منزل به عهده حضرت فاطمه سلام الله علیها باشد و کارهای خارج منزل بر عهده علی علیه السلام (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۳/۸۶). آن هنگام که

رسول خدا چنین تقسیم کاری را به علی و زهرا پیشنهاد فرمود، فاطمه خوشحالی و رضایت خویش را این گونه ابراز نمود: «جز خدا کسی نمی‌داند که از این تقسیم کار تا چه اندازه مسرور و خوشحال شدم؛ چرا که رسول خدا مرا از انجام کارهایی که مربوط به مردان است، باز داشت» (مجلسی، ۱۴۰۴:ق: ۱۰۳ / ۲۵۳).

۲-۲-۲. دفاع احسن از حریم خانواده

حفظ حریم خانواده و عمق بخشی به نقش اجتماعی زنان از دیگر ابعاد کارآمدی دستابی به مقام حکمت می‌باشد. انسان می‌تواند در پرتو علم و عمل، ریاضت و مجاهدت در راه پاکسازی و طی مراحل کمال، به مقام عالی حکمت برسد؛ انسان حکیم هدف و کاربرد نعمتهای الهی را می‌داند و هر چیزی را در جای خود به کار می‌گیرد. وجود غریزه جنسی و جذّابیت هر یک از مرد و زن برای یکدیگر، قدرت جسمی برتر مرد و لطافت جسمانی زن و علاقه بیشتر وی به تبرّج و خودنمایی در مقایسه با مرد، از اموری است که نمی‌توان انکار کرد. با توجه به این ویژگی‌ها، اگر زن بدون ضابطه، به هر صورتی در اجتماع حاضر شود و خود را در برابر دیدگان مردان به نمایش بگذارد، جامعه‌ای که محل کار و تلاش و کسب فضایل اخلاقی است، به صحنه نمایش جذّابیت‌های جنسی تبدیل می‌شود که برخلاف حکمت الهی می‌باشد.

اسلام با تشویق به تشکیل خانواده که بهترین وسیله برای حفظ عفت عمومی است، به ندای فطرت پاسخ مثبت می‌دهد و زناشویی را یگانه وسیله پیدایش فرزندان درستکار و حفظ بقای نوع شناخته است و نه تنها مشکلی در سر راه این امر طبیعی ایجاد نمی‌کند، بلکه از این نیروی طبیعی به سود اجتماع و برای زندگی فردی بهره برداری می‌نماید و علاوه بر اینکه به آرامش جسمی در زندگی زناشویی توجه دارد، می‌خواهد یکی از پایه‌های سعادت آدمی که آرامش روحی، اخلاقی و فکری است نیز در سایه پیوند ازدواج تأمین سازد. اینکه پیوندهای زناشویی در عصر ما آنقدر سست و بی دوام گردیده که در برابر حوادث بی ارزش و کوچک به آسانی از هم می‌گسلد، بدین علت است که در اینگونه ازدواج‌ها به واقعیت‌های زندگی توجه نمی‌شود و این پیوندها به دنبال یک سلسله رویاها و افکار کودکانه و متصورات خام بسته می‌شود (حسن زاده، ۱۳۹۲: ۶۸-۴۵).

پوشش وسیله‌ای است در خدمت زن تا موقعیت خویش را در جامعه تحکیم کرده و شخصیت و احترام خویش را فزونی بخشد. نظام تربیتی اسلام با توصیه به کم کردن زمینه‌های اختلاط و رعایت حریم میان زن و مرد، (الحر العاملی، وسائل الشیعه: ۲۰/ح ۲۵۲۲۰). ترغیب زن به خودآرایی در برابر همسر و تجویز خودآرایی در برابر همجنس (نور/۳۱) سعی کرده است تا این حد طبیعی را زمینه‌ای برای نشاط فردی و خانوادگی قرار دهد.

اسلام می‌خواهد انواع التذاذهای جنسی، به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد و اجتماع منحصراً برای کار و فعالیت باشد. برخلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذت جویی‌های جنسی به هم می‌آمیزد، اسلام می‌خواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند (مطهری، ۱۳۸۷: ۸۲). به

عبارتی روح مسئله پوشش، محدودیت کامیابی جنسی به محیط خانوادگی و همسران مشروع است (مطهری، ۱۳۸۷: ۷۵-۷۶). بررسی قرآن کریم و فرامین ائمه اطهار علیهم السلام ما را به این مهم رهنمون می‌کند که توجه به اصل محکم کاری در مسئله پوشش و رعایت حجاب و عفاف، ضمن ایجاد جامعه‌ای سالم و به دور از اختلاف، امنیت روحی و روانی آن جامعه را تضمین می‌کند، و ضامن سعادت دنیا و آخرت انسان است.

به همین علت است که گزینه جنسی، آن‌گاه که در خدمت مصالح خانواده و تقویت رابطه‌ی زناشویی قرار گیرد، کارآیی ویژه‌ای برای زن می‌سازد اما اگر در روابط اجتماعی و بدون مدیریت صحیح بروز نماید مشکلات زیادی می‌آفریند. در این صورت نه تنها ضربهای عظیم بر انسانیت، شخصیت و جایگاه ممتاز خود زده و روحش را آلوده کرده بلکه خانواده و جامعه را در معرض آفات و آسیب‌های فراوان قرار می‌دهد، زیرا سعادت و سلامت هر جامعه در خانواده‌ها پی‌ریزی می‌شود و انتقال ارزش‌های دینی، ملی و فرهنگی و اجتماعی در درجه اول به عهده خانواده‌ها به خصوص مادر است. پس می‌توان نتیجه گرفت که جامعه سالم نیازمند مادران سالم است و جامعه فرهنگی، دینی و ارزشی، جامعه‌ای است که مادران آن از بینش و تفکر سالم فرهنگی، اجتماعی، دینی و ارزشی برخوردار باشند (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۶/۱۱۱-۱۱۲).

عفت و حیا، همان صفتی است که امام عصر (عج) آنها را بایسته زنان امت می‌داند و آراستگی به آن صفات را از درگاه عزّ ربوبی بر ایشان درخواست می‌کند (کفعمی، ۱۴۱۸).

امام صادق (ع) فرمود: «حیاء و ایمان در یک رشته و هم دوش هم هستند، چون یکی از آن دو رفت دیگری هم می‌رود» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲/۱۰۶). و نیز فرمودند: «اگر چه تفاوتی بین زن و مرد در مزین شدن به آن نیست، اما بر زنان نیکوتر است» (دیلمی، ۱۳۷۶: ۱/۱۹۳).

شهوت و حکمت ارتباط معکوسی با یکدیگر دارند، از طرفی حکمت سبب ضعف شهوت می‌شود. امام علی (ع) می‌فرماید: هر اندازه حکمت قوی گردد، شهوت ضعیف می‌شود (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹: ۱/۱۲). و ضعیف شدن شهوت، افزایش قدرت و تسلط انسان بر عقل و خرد را در پی دارد که عقل یکی از مهم‌ترین ملزومات حکمت است و حکمت درجه کامل عقل است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۲/۴۳۶-۴۳۰).

۲-۳. اتقان کاری

یکی دیگر کارآمدی‌های دستیابی انسان به مقام حکمت، اتقان کاری می‌باشد. هر فردی در حوزه کاری خودش باید از انضباط و وجدان کاری برخوردار باشد و هر کاری را با استحکام و درستی انجام دهد. از آثار و نتایج نظم و انضباط محکم کاری است. کسی که منظم است، کارهایش را به گونه‌ای انجام می‌دهد که استوار و پایدار باشد. چنین کسی، از سستی و سهل‌انگاری در کار بیزار است.

کار در اسلام مورد تکریم قرار گرفته و مردم را بسوی آن دعوت نموده است. قرآن و سنت افرادی را که در زمین و دریا از مواهب الهی برای کسب روزی حلال استفاده و تلاش می‌کنند ستوده و آنان را مردمی قابل احترام

دانسته است و با کسانی که در راه خدا جهاد می‌کنند برابر می‌داند و در مقابل افراد بیکار و تنبل را افرادی کم ارزش و غیر قابل اعتماد و دور از رحمت حق معرفی می‌نماید. خداوند در سوره (اسری/۱۲)، (الملک/۱۵)، (اعراف/۱۰)، (حدید/۲۵)، (مائده/۹۶) مردم را بسوی کار و تلاش و کسب روزی حلال دعوت کرده و آنرا یک واجب دینی می‌داند.

با توجه به این معنی حکمت، کیفیت کار، همواره اهمیت بیشتری از کمیت آن دارد، به طوری که حتی در عبادات و امور معنوی، به فراوانی عبادت دعوت نشده بلکه بر انجام نیکوی آنها تاکید شده است. خداوند در سوره کهف می‌فرماید: «به یقین، کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، پاداششان را به طور کامل می‌دهیم، زیرا ما پاداش کسی را که کار نیکو کند تباہ نمی‌کنیم» (کهف/۳۰).

دقت در کارهای دنیایی و کوشش برای انجام شایسته آنها نیز در رفتار و گفتار معصومان به چشم می‌خورد. پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «خداوند دوست دارد اگر کسی کاری را انجام می‌دهد آن را درست انجام دهد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۴ / ۳۲۲). امروزه گرفتن چک، سفته، ضامن، ضمانت نامه، گرفتن وثیقه و سند معتبر، اجبار قرار دادن مهندس ناظر برای ساختمان، الزام بیمه نامه برای وسایل نقلیه، طراحی بیمه‌های مختلف و... از بحث‌های مهم جهانی است که برای اطمینان از انجام صحیح کارها و تأمین آینده صورت می‌پذیرد.

برای نمونه، با تمام سفارشات که اسلام بر حل مشکلات مالی، به ویژه به صورت قرض و وام دارد؛ اما بر گرفتن شاهد، رسید معتبر و یا کسی که پرداخت این پول را تضمین کند، تأکید کرده است. امام صادق (ع) درباره اهمیت این موضوع می‌فرماید: «أَرْبَعَةٌ لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ دَعْوَةٌ أَحَدُهُمْ رَجُلٌ كَانَ لَهُ مَالٌ فَادَّانَهُ بِغَيْرِ بَيِّنَةٍ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَلَمْ آمُرْكَ بِالشَّهَادَةِ؛ چهار کس، دعایشان مستجاب نمی‌شود: یکی از آنها، مردی است که مالی داشته باشد و آن را بدون گرفتن شاهد، قرض دهد» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ق: ۳۳۸/۱۸).

امام علی (ع) در مورد توجه به کیفیت و دقت در نحوه اجرای کار می‌فرماید: «دنبال سرعت در انجام دادن کار مباش، بلکه کیفیت خوب را بجوی. مردم نمی‌پرسند: «در چند روز کار را به پایان برده است؟» بلکه در پی خوبی و نیکویی محصول کارند» (معتزلی، ۱۴۰۴: ق: ۲۶۷).

از منظر ولی امر مسلمین، حیاتی‌ترین و راهبردی‌ترین نیاز امروز جامعه، کار و تلاش است. از طرفی، لازمه عمل به فرموده مدیرانه مقام معظم رهبری، رسیدن به خودباوری و عزم جدی است تا به فضل خدا و عنایت حضرت ولی عصر (عج) بتوان با همت و تلاش مضاعف کلیه آحاد جامعه، به هدف اصلی انقلاب دست یافت. در کلام ایشان اتقان کاری این‌گونه ترسیم شده است: «اگر اهمیت کاری که انسان سرگرم آن هست برای انسان معلوم شود، دیگر مسامحه در کار نخواهد بود؛ دلسردی و ناامیدی در میان نخواهد بود. وقتی فهمیدیم کاری که ما داریم انجام می‌دهیم، چقدر مهم است برای حیات جامعه و حیات کشور، آن وقت خود این، نیرویی در درون ما به وجود می‌آورد که بر همه‌ی مزاحم‌های بیرونی فائق می‌شود. لذا توصیه‌ی اول ما به همه این است که آن کاری را که

محول به آن‌هاست، با شوق، با علاقه- به هر دلیل اجتماعی و فردی که به سمت آن کار کشیده شده‌اند- قدر بدانند، ارج بنهند، اهمیت بدهند و کار را درست انجام بدهند. مکرر این گفته‌ی پیامبر عظیم‌الشأن را عرض کردیم که فرمود: «رحمت خدا بر آن انسانی که کاری را به دست می‌گیرد و آن را متقن و درست و کامل انجام می‌دهد» (علی بن جعفر، ۱۴۰۹: ۹۳). این در مورد من، شما، یکایک افراد کارگر، معلم، پرستار و سایر مشاغل و حرفه‌ها و مسئولیت‌ها صادق است. کاری را که به عهده گرفتیم، آن را متقن و کامل انجام بدهیم» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۲/۹).

از این رو پیامد مهم دیگر عمل بر اساس حکمت، اکمال و اتمام کارهاست. رها کردن کارهای نیمه تمام و معطل گذاردن امکانات و سرمایه‌ها، در نظام کارآفرینی بر پایه‌ی آموزه‌های نبوی مطلوب نیست، باید کارها مطابق اولویت و با برنامه شروع شود و به همان شکل خاتمه یابد؛ «زیبایی کار خوب به اتمام و پایان رسانیدن آن است» (عبدالواحد آمدی، ۱۳۶۰: ۱۳۶).

توجه به امنیت شغلی هم از کارکردهای مهم حکمت در زندگی انسان حکیم است. بر این اساس یکی از تکالیف دولتها در برابر کارگران و به طور کلی در برابر هر نوع شغلی ایجاد امنیت شغلی است. چنانچه مقررات و رویه‌هایی برای حفظ امنیت شغلی افراد در نظر گرفته نشود، هرکس مدام نگران از دست دادن شغل خود است و بیم از بیکاری خود مانع بروز خلاقیت و شکوفایی استعدادها می‌شود. افزون بر آن، این امر تلاشی دوباره برای یافتن شغلی جدید و همه هزینه‌های ناشی از آن را به دنبال خواهد داشت. در فضایی چنین مبهم و ناپایدار، کارگران از آینده شغلی و تأمین زندگی خود و خانواده‌شان مطمئن نیستند و تنها به این می‌اندیشند که چگونه بیکار نشوند و از این رهگذر فرصتی برای مطالبه دیگر حقوق قانونی خود نیز نخواهند یافت. توجه به چنین دلالی باعث شده در چارچوب حمایت از کارگران، حفظ امنیت شغلی آنها جایگاه ویژه‌ای بیابد (طاهری، ۱۳۹۳: ۱۳۹۳). چنانکه مقام معظم رهبری در همین رابطه می‌فرماید: «یک مسئله مسئله امنیت شغلی کارگر است؛ اگر ذهن کارگر مشغول باشد که آیا فردا در این کارگاه خواهد بود یا نه، دستش به کار نمی‌رود؛ باید امنیت شغلی به وجود بیاید» (بیانات در دیدار کارگران، ۱۳۹۵/۲/۸).

این آیات و روایات گواه بر این است که قرآن کریم و سیره قرآنی معصومین تشویق به کار و تلاش را با چشم انداز رشد و تعالی فرد و خانواده در جامعه پیگیر بوده‌اند و با ذکر زمینه‌ها، آثار، برکات و نتایج کار و تلاش به ترغیب مردم به کار و تلاش پرداخته‌اند. تعهد به این راهکارها و توجه به آثار و برکات کار موجبات رشد و تعالی همه جانبه جامعه اسلامی را در بر خواهد داشت.

۲-۴. تولید دانش بنیان

توجه به اقتصاد، تولید و اشتغال با هدف رونق دادن به سفره مردم و کاستن مشکلات معیشتی مردم کارآمد دیگر دستیابی انسان به مقام حکمت است. با توجه به آیه «صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ؛ [این] صُنِعَ خدایی است

که هر چیزی را در کمال استواری پدید آورده است» در بینش الهی، هر چیزی در جای خود متقن و محکم است (محسن قرائتی، ۱۳۸۳: ۴۶۶/۶). برای رسیدن به توسعه اقتصادی با تاسی از صفت حکمت الهی باید تولید از روی علم و دانش و نیاز جامعه باشد، اگر کالاهای تولید در کشور با کیفیت باشد دیگر مردم نیازی به خرید کالاهای خارجی ندارند و حتی می‌شود کالای با کیفیت را صادر و اشتغال پایدار ایجاد کرد.

مقام معظم رهبری، بسیاری از ایرادها و گله‌های کارآفرینان را ناشی از مدیریت نشدن کامل منابع مالی دانستند و افزودند: باید منابع را در مسیری که برای کشور ارزش افزوده مالی و غیرمالی دارد تخصیص دهیم تا تولید و اشتغال افزایش یابد و «کسب و کار» رونق گیرد. ایشان، اصلاح برخی مقررات، رفع پیچ و خمهای اداری و ارائه صحیح تسهیلات را از جمله راه‌های بهبود فضای کسب و کار برشمردند و افزودند: رونق کسب و کار، از مسائل عمده اقتصادی است و تحقق آن، نیازمند اهتمام بیشتر دولت است. رهبر انقلاب اسلامی، به موازات موظف دانستن دولت به «مدیریت منابع مالی و بهبود فضای کسب و کار»، کارآفرینان را نیز به تلاش مستمر و همه‌جانبه برای مرغوبیت بخشی و افزایش کیفیت کالاهای ساخت داخل فراخواندند و افزودند: مردم می‌دانند که مصرف هر کالای خارجی یعنی بیکاری یک کارگر ایرانی، اما کارآفرینان هم بدانند که رغبت مردم به مصرف کالاهای داخلی با شعار تحقق نمی‌یابد بلکه نیازمند افزایش کیفیت این کالاهاست. در این راستا، حمایت از تولید و مصرف کالاهای داخلی، حائز اهمیت بسیار است؛ همه طبقات جامعه - اعم از دولت، تولیدکنندگان و مردم - با انجام وظایف خود، همراه با رعایت موازین اخلاقی و وظایف دینی، راه رسیدن به هدف مورد نظر را هموار کنند. زیرا بی‌توجهی به بهبود و افزایش تولید به میزان نیازها و ضرورت‌های پیشرفت، زمینه احتیاج و دست‌درازکردن به سوی بیگانگان را فراهم می‌کند و نیز بر اساس بیان امیرمؤمنان علی (ع) می‌فرماید: «به هر کس که خود را محتاج کنی اسیر او می‌گردد» (بن بابویه، ۱۳۶۲: ۴۲۰). (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۰۲/۱۷).

خداوند متعال در آیات الهی به پیامبر اکرم (ص) توصیه می‌کند تا به امکانات دیگران چشم نداشته باشد و می‌فرماید: «دیدگان خویش را به آن چیزهایی که رونق زندگی دنیا است و بعضی از دسته‌های آدمیان را از آن بهره داده‌ایم تا در باره آن عذابشان کنیم نگران و خیره مساز که روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است» (طه/۱۳۱). آیه به این حقیقت اشاره می‌کند که چشم داشتن به امکانات دیگران یکی از مهم‌ترین عوامل سقوط یک جامعه است. چون برای بهره‌وری از امکانات دیگران باید در برابر آنها سر تعظیم فرود بیاورد و در برابر آنها خضوع و خشوع کند.

همچنان که امام صادق (ع) در حدیثی می‌فرماید: «امیر المؤمنین علی (ع) همواره می‌فرمودند: «مادامی که این امت لباس بیگانه نپوشند و از غذاهای آنان استفاده نکنند همواره در خیر خواهند بود و هنگامی که چنین کنند خداوند آنان را ذلیل خواهد کرد» (خالد بن برقی، ۱۳۷۱ق: ۱۷۸).

تولید دانش بنیان و اشتغال آفرین را می‌توان یک مدل جدید برای رونق اقتصادی و ایجاد شغل در نظر گرفت و بعنوان روشی که بر مبنای دانش بومی، بنیان نهاده می‌شود که حاصل آن برون رفت از مشکلات اقتصادی موجود است. تنگی معیشت مردم، گرانی‌ها و تورم مشکلات اقتصادی می‌باشند اما با توجه به ظرفیت‌های موجود در کشور به برطرف کردن آن می‌توان امیدوار بود. با توجه به جایگاه علمی ایران یعنی دانشگاه‌ها و شرکت‌های دانش بنیان می‌توان علم را به ثروت تبدیل کرد (حسینی، ۱۴۰۱).

اگر سلیقه‌ها و نیازها عوض شد مجموعه دانش بنیان دانش و فناوری کافی در اختیار دارد که به نیازهای جدید مشتریانش عکس العمل مناسب داشته باشد و سریعاً خودش محصول جدید منطبق با خواسته‌های بروز مشتریان تولید کند. عبارتی تولید دانش بنیان، تولیدی به روز و مورد نیاز جامعه است. صنایع ما اگر دانش بنیان نشود نابود خواهد شد. نمونه بارزش خودرو سازی ماست (جعفرزاده، گفتگو با ایلنا، ۱۴۰۱/۰۱/۰۱). به خاطر اهمیت موضوع هست که مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «ما اگر اهمیت می‌دهیم به صنعت داخلی - حالا در زمینه ی خودرو که فعلاً محل کلام ماست و یا زمینه‌های دیگر - بایستی سیاست تعدیل بازرگانی خودمان را در این زمینه حتماً تنظیم کنیم. یعنی واردات بی رویه قطعاً ضرر خواهد زد. دستگاه‌های سیاست‌گذار کشور و کسانی که سیاست‌های اجرائی را تنظیم می‌کنند، به این نکته باید توجه کنند. فراوانی و ارزانی چیز خیلی خوبی است، اما از آن مهم‌تر و بهتر، رشد صنعت داخلی است؛ قوام گرفتن صنعت داخلی است. این درست نیست که ما به دلایل گوناگونی که غالباً هم دلایل واهی است، دروازه را به روی واردات باز کنیم. من بارها به مسئولین - مسئولین گوناگون در بخش‌های مختلف دولتی - گفتم: اگر فلسفه ی شما، منطق شما برای افزایش واردات و تسهیل واردات ساخته‌های صنعتی این است که می‌گوئید کیفیت مصنوعات داخلی باید بالا برود، خب فشار را روی این بخش بگذارید. سیاست‌هایی وجود دارد که می‌شود وادار کرد، مجبور کرد تولیدکننده‌ی داخلی را به اینکه کیفیت را ارتقاء بدهد. بدترین گزینه برای بالا بردن کیفیت داخلی این است که ما راه را برای مصنوعات خارجی باز کنیم؛ این، بدترین گزینه است. گزینه‌های بهتری وجود دارد برای اینکه ما کیفیت را بالا ببریم» (سخنرانی مقام معظم رهبری، در بازدید از توانمندی‌های صنعت خودروسازی، ۱۳۸۹/۰۱/۰۹). به علت اینکه یکی از زمینه‌های بسیار مهم استقلال جامعه، عرصه استقلال اقتصادی است.

۲-۵. مصرف حکیمانه

یکی از کارآمدهای مهم دستیابی انسان به مقام حکمت، مصرف حکیمانه می‌باشد. عدم آشنایی با فرهنگ مصرف، تباهی و زیان فرد و جامعه شهروندی را در پی دارد و به تعبیر رهبر فرزانه انقلاب: «برای جامعه بلای بزرگی است که میل به مصرف، روز به روز در آن زیاد شود و همه به بیش‌تر مصرف کردن، بیشتر خوردن، متنوع خوردن، متنوع پوشیدن و دنبال نشانه‌های مد و هر چیز تازه برای وسایل زندگی و تجملات آن رفتن تشویق بشوند» (بیانات مقام معظم رهبری، خطبه‌های عید فطر، ۱۳۸۱/۰۹/۱۵).

در الگوی مصرف اسلامی، برای تحقق شایستگی‌ها و ارتقای شخصیت انسان باید از همه‌ی نعمت‌ها بهره‌گیری بشود. امیرالمؤمنین امام علی (ع) می‌فرماید: برنامه ریزی درست، مال کم را افزایش می‌بخشد؛ و برنامه ریزی نادرست، مال بسیار را نابود می‌کند (غررالحکم، ۱۳۷۸ش: ح ۴۸۳۳).

انسانهای حکیم، در تخصیص درآمد و مصرف، برای دستیابی به الگوی مصرف مناسب، و جلوگیری از نارسایی‌ها و تضییع حقوق افراد، رعایت اولویت‌ها را امری اجتناب‌ناپذیر و ضروری می‌دانند. نمود این ضرورت برای افرادی که درآمدشان محدود است بیشتر دیده می‌شود. تعیین اولویت‌های تخصیص درآمد از دو جنبه قابل ارزیابی می‌باشد: اول، از نظر کیفیت و کمیت کالاهای مصرفی و خدمات؛ بدیهی است نیازمندی‌های گوناگونی در زندگی انسان وجود دارد؛ بعضی از این نیازمندی‌ها، نیازهای اساسی و ضروری زندگی است و بعضی در درجه بعدی قرار می‌گیرد. برخی از مصارف نیز صرفاً در جهت تأمین یا افزایش رفاه و آسایش زندگی است. بی‌گمان تا زمان برآورده نشدن شایسته نیازهای اساسی فرد و جامعه، به مصارف رفاهی و کالاهای تجملاتی نوبت نمی‌رسد. دوم: تعیین اولویت‌ها بر مبنای افراد و گروه‌های مصرف‌کننده: بر اساس آموزه‌های دینی در شرایط عادی، تأمین نیازمندی‌های فردی انسان، در اولویت قرار دارد. پس از تأمین نیازهای اولیه و اساسی شخص، نیازهای پدر و مادر، فرزند، همسر و سپس سایر نیازمندان مطرح می‌شود (ایروانی، ۱۳۸۴: ۲۸۴). بنابراین حکمت به معنای کیفیت‌مداری و محکم‌کاری در کارها به عنوان عامل اصلاحی الگوی مصرف قرار می‌گیرد، و به تعدیل، بهبود مصرف و حفظ سرمایه‌های کشور از هدر رفتن کمک می‌کند. «روزی مردی خدمت پیامبر اکرم (ص) رسید و گفت: «یا رسول الله! می‌خواهم این دو دینار را در راه خدا مصرف کنم.» حضرت فرمود: «آیا پدر و مادر داری؟» گفت: «آری» فرمود: «این پول را برای آنان هزینه کن که از مصرف آن در راه خدا بهتر است. بعد از مدتی دوباره آن مرد در حالی که دو دینار دیگر به همراه آورده بود تا در راه خدا خرج کند. پیش رسول خدا (ص) آمد؛ این بار، حضرت به او سفارش کرد آن را برای فرزندش خرج کند. وی بار سوم دو دینار آورد. پیامبر (ص) مصرف آن را برای همسرش دستور داد؛ و بار چهارم برای خادمش... حضرت، آخرین بار اجازه داد که پولش را در راه خدا مصرف کند و فرمود که: مصرف آن در راه خدا، فضیلتی بیش از مصرف آن در راه‌های پیشین نداشت» (طوسی، ۱۳۶۵: ۱۷۱). بنابراین انسان در پرتو علم و عمل، ریاضت و مجاهدت در راه پاکسازی و طی مراحل کمال، به مقام عالی حکمت برسد؛ انسان که حکیم شد، هدف و کاربرد نعمت‌های الهی را می‌داند و هر چیزی را در جای خود به کار می‌گیرد

۳- نتیجه‌گیری

پس با توجه به قسمت اول و دوم مقاله، به این نتیجه می‌رسیم؛ که هدف از خلقت انسان، رشد و تکامل انسان در سایه عبودیت می‌باشد. خداوند امکانات لازم، جهت رشد انسان را در اختیار او قرار داده است؛ جسم، ذهن و

دل انسان، باید به کار گرفته شود تا به مقصود خود برسد، اما در این مسیر موانعی وجود دارد که یکی از این سه را از ما می‌گیرد، یا توان حرکت را سلب می‌کند، یا مانع شناخت درست هدف می‌شود، یا انگیزه و شور حرکت را می‌گیرد، به هر حال سه گونه مانع می‌توان یافت: مانع شناختی، مانع انگیزشی و مانع رفتاری.

با در نظر گرفتن استعدادها و موانع بیرونی و درونی مسیر رشد انسان، توجه به صفت حکمت الهی می‌تواند انسان را به هدف برساند. حکیم بودن خدا انسان را دعوت می‌کند که به سوی علم و حکمت روی آورد و متخلّق به اخلاق او گردد. خداوند تعلیم حکمت به مردم از سوی خود و پیامبران را زمینه‌ساز تزکیه و پاکسازی آنان از آلودگیهای اخلاقی می‌داند از این رو تعلیم حکمت را مقدم بر تزکیه دانسته است. (حکمت علمی) زیرا با شناخت نسبت به امری است که انسان می‌تواند نسبت به آن موضع‌گیری درست و منطقی داشته باشد و عزم را جزم نماید تا آن معلوم را در خود محقق سازد. در این صورت حکمت، تحقق یافتن علم و درستی عمل و راستی گفتار و اطاعت پروردگار و آگاهی از دین و آنچه ارزش انسان را بالا می‌برد و یا او را از زشتیها باز می‌دارد و خلاصه آنچه موجب صلاح کار دنیا و آخرت او است، می‌باشد. (حکمت عملی)

بنابراین با آگاهی انسان از اینکه خداوند افعالش را در نهایت اتقان و استواری انجام می‌دهد و منزّه از امور ناپسند می‌باشد، این علم در سایه عمل کردن به آن، وارد صحنه زندگی فردی و اجتماعی انسان شده و جامعه‌ای متخلّق به اخلاق الهی را پدید می‌آورد که در اموری همچون معنا بخشی به زندگی، استحکام خانواده، اتقان کاری، تولید دانش بنیان و مصرف حکیمانه نمود پیدا می‌کند.

منابع:

- قرآن کریم
- آقابخش، علی اکبر، (۱۳۷۹)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار.
- آمدی، عبدالواحد، (۱۳۶۰)، غررالحکم و دررالکلم، تهران: جامعه.
- ابن ابی الحدید، (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: آیه‌الله مرعشی نجفی.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۴۳)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تحقیق مهدی حسینی، تهران: جهان.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۲)، الخصال، قم: جامعه مدرسین.
- ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی ابن شعبه، (۱۳۶۳)، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین.
- ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۰ق)، لسان العرب؛ بیروت: دار صادر.
- پناهیان، علیرضا، (۱۳۸۹)، شهر خدا رمضان و رازهای روزه داری، چاپ سوم، ناشر: بیان معنوی.
- جعفرزاده، غلامعلی، گفتگو با ایلنا، ۱۴۰۱/۰۱/۰۱ کد خبر ۱۲۱۰۶۶۶.
- جعفری، محمد تقی، (۱۳۸۸)، فلسفه و هدف زندگی، چاپ هشتم، تهران: نشر مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۸)، تسنیم، محقق: حجت الاسلام محمد حسین الهی زاده، چاپ دوم، قم: نشر اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- حسینی، علی، (۱۴۰۱)، تولید دانش بنیان اشتغال آفرین، کد خبر ۸۴۷۱۱۳۹.
- حلی، حسن بن یوسف، (۱۳۸۲)، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قسم الاهیات، چاپ اول، قم: مؤسسه امام صادق(ع).
- حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۰۷ق) کشف المراد، تصحیح حسن حسن زاده آملی، قم: نشر اسلامی.
- خالد برقی، احمد بن محمد، (۱۳۷۱ق)، المحاسن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- خامنه ای، سید علی، (۱۳۸۶)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار بانوان نخبه در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرا (سلام الله علیها)،
<https://khl.ink/f/3390>
- خامنه ای، سید علی، (۱۳۸۸)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از معلمان و پرستاران و کارگران،
<https://khl.ink/f/6386>
- خامنه ای، سید علی، (۱۳۸۹)، بیانات مقام معظم رهبری در بازدید از توانمندیهای صنعت خودروسازی،
<https://khl.ink/f/9071>
- خامنه ای، سید علی، (۱۳۹۵)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگران،
<https://khl.ink/f/32920>
- خامنه ای، سید علی، (۱۳۹۹)، بیانات مقام معظم رهبری بیانات در ارتباط تصویری با مجموعه‌های تولیدی،
<https://khl.ink/f/45517>
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۳۴ق)، لغت نامه، چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دیلمی، حسن بن ابی الحسن، (۱۳۷۶)، ارشاد القلوب، ترجمه طباطبایی، قم: جامعه مدرسین.
- راغب اصفهانی، حسین، (۱۳۱۲ق)، مفردات الفاظ قرآن کریم، تحقیق: صفوان عدنان داودی، چاپ اول، بی جا: دارالعلم.
- ربانی گلپایگانی، علی، (۱۳۸۳)، کلام تطبیقی، توحید، صفات و عدل الهی: قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- رهبر، الهه، (۱۳۸۹)، «خانواده و نقش عملکرد آن در تربیت دینی، تضاد شیوه‌های تربیتی خانواده و مدرسه»، پیوند، ش ۳۷۷، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- شعیری، محمد بن محمد، (۱۳۶۳)، جامع الأخبار، قم: انتشارات رضی.
- طاهری، آزاده السادات، (۱۳۹۳)، ارزیابی تطبیقی علل و تشریفات اخراج کارگر در موازین سازمان بین المللی کار و حقوق کار ایران، مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۲.
- طاهری، مهدی، (۱۳۹۰)، ولایت مداری در الگوی پیشرفت سیاسی اسلامی - ایرانی، معرفت سیاسی، ش ۲.
- طباطبائی، سیدمحمد حسین، بی تا، میزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه المدرسین
- طباطبائی، محمد حسین، (۱۴۱۷)، میزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طیبی، حشمت اله، (۱۳۷۰)، مبادی و اصول جامعه شناسی، دهم، بی جا: انتشارات کتابفروشی اسلامیه.
- عریضی، علی بن جعفر، (۱۴۰۹)، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، مشهد، المؤتمر العالمی للإمام الرضا (علیه السلام).
- فتحعلی، محمود، (۱۳۸۲)، مباحثی در باب کارآمدی، قم: مؤسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- فخر رازی، (۱۴۱۰ق)، شرح اسماء الله الحسنى (لوامع البینات)، به کوشش طه عبدالرؤف سعد، بیروت: دارالکتب العربی.
- قرائتی، محسن، (۱۳۸۳)، تفسیر نور، چاپ یازدهم، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.
- قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۱ش)، قاموس قرآن، چاپ پنجم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- قیومی، احمد بن محمد بن علی، (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم: دارالهجره.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کوشان، محسن؛ واقعی، سعید، (۱۳۷۸)، روان پرستاری، سبزوار: انتظار.
- لاهیجی، فیاض، (۱۳۷۲)، سرمایه ایمان در اصول اعتقادات، چاپ سوم، تهران: الزهراء.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.

- محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۵ش)، حکمت نامه امام حسین «علیه السلام»، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر.
- محمدی ری شهری، (۱۳۷۹)، علم و حکمت در قرآن و حدیث، ترجمه عبدالهادی مسعودی، چاپ اول، قم: دارالحدیث.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۳)، مجموعه آثار، چاپ یازدهم، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۷)، مسئله حجاب، تهران: صدرا.

